پرونده جام جم به مناسبت سالگرد فرود موفقیت آمیز فضانوردان ماموریت آپولو ۱۱ بر سطح ماه

۵۰ سالگی سفر به ماه

درست ۵۰ سال پیش مردم دنیا مثل همین خانواده ژاپنی حیرت‌زده مشغول تماشای گام برداشتن نخستین انسان‌ها در سطح ماه بودند. در پرونده امروز جام جم خواهید خواند چطور فضانوردان مسیر دشوار و پیچیده رسیدن به ماه را با موفقیت طی کردند و چرا ماموریت آپولو ۱۱ را می‌توان نقطه عطف دستاوردهای علمی قرن گذشته دانست

نیم قرن از روزی می‌گذرد که روس‌ها، ایرانی‌ها و حتی ژاپنی‌های زخم خورده از آمریکایی‌ها در جنگ جهانی دوم، فتح ماه را از تلویزیون تماشا کردند

۱۴ و ۱۵

گزارش میدانی جام جم از مرکز نگهداری سگ‌های زنده‌یاب هلال احمر

عملیات نجات با ماکسی و چیگو

لیلا شوقی

جامعه

می‌دود. باد در موهایش می‌پیچد. گوش‌های کوچکش سیخ و هوشیار در کنار سر قرار گرفته است. پوزه‌اش را بالا گرفته و با چشمانی که بیش از اندازه سیاه است، به جلو نگاه می‌کند و می‌دود. می‌پرد داخل آب، آب فریاد می‌زند و قلپی صدا می‌دهد، قطرات آب خود را پرت می‌کنند به اطراف. می‌آید روی آب، پوزه‌اش را بالا می‌گیرد و با دست‌های کوچکش به جلو شنا می‌کند. دور می‌شود از ساحل. آب موج می‌خورد و به تن قهوه‌ای‌اش می‌خورد و دور می‌شود. موهای پرپشت و بلندش در آب شناور است. این طرف توی ساحل، مربی‌اش، فریاد می‌زند: «نجاتش بده.» سگ دوباره پوزه تکان می‌دهد و با عجله به جلو می‌رود، باید فردی را که در حال غرق شدن است، نجات دهد. این داستان سگ‌های امداد و نجات هلال احمر است. سگ‌هایی که برای عملیات زنده‌یابی آموزش‌های خاصی می‌بینند.

آن طرف یك نفر در حال دست و پا زدن است. فریاد می‌زند، حالا حتی صورتش هم دارد زیر آب می‌رود. رنگش پریده است، اما بالا می‌آید و آبی را که به دهانش رفته است بیرون می‌ریزد، اما باز درون آب فرو می‌رود، برای لحظه‌ای آب تمام صورتش را می‌پوشاند و بعد دوباره صورتش بیرون می‌آید. مرد در حال غرق شدن است. صدایی شنیده می‌شود، سگی واق می‌کند و سریع به طرف مرد شنا می‌کند. حالا حتی مردی که در حال غرق شدن بود، صدایش هم درنمی‌آید، از او تنها دست‌هایی که در حال فرو رفتن است، باقی مانده است. دست‌ها هم هر لحظه دارند محو می‌شوند. در لحظه آخر اما، سگ به کمکش می‌رود. در آب فرو می‌رود. حالا هر دو، هم سگ و هم مرد محو شده‌اند. آب موج‌دار تنها تصویری است که دیده می‌شود. چند ثانیه بعد اما ورق برمی‌گردد. اول پوزه سگ قهوه‌ای رنگ بالا می‌آید و چند ثانیه بعد، مردی بی‌حال و خیس از آب بیرون کشیده می‌شود. سگ آب را کنار می‌زند و مرد را به دنبال خود می‌کشد. حالا مرد نفسش بالا آمده و با چشمانی که نیمه باز است به قهرمانی که جانش را نجات داده است، نگاه می‌کند. حالا می‌تواند نفس بکشد. آفتاب روی قطرات آب افتاده و می‌درخشد. آنها هر لحظه به ساحل نزدیك‌تر می‌شوند. مرد نجات پیدا کرده است.

احساساتمان را می‌فهمند

آرام است. انگار نه انگار که چند دقیقه پیش درون آب پریده و جان کسی را نجات داده است. حالا نور آفتاب، تنش را خشك کرده است. سبیل‌هایش اما هنوز به خاطر آب آویزان است. با چشمان تمام سیاه‌رنگش متوجه مربی‌اش است. هر حرکت کوچك از او، باعث واکنش سگ می‌شود. سر کوچك را به جلو خم کرده و چشم به حرکات مربی‌اش دوخته است. متوجه همه حرکات مربی‌اش است. با «بشین» مربی‌اش می‌نشیند و با بلند کردن دست مربی به جلو خم می‌شود. اسمش مارشال است و سه سالی سن دارد. مربی‌اش می‌گوید مارشال، یکی از سگ‌های نژاد ژرمن است. نژادی که در اروپا به عنوان سگ‌های پلیس به کار گرفته می‌شود. ایرانی‌ها این نژاد سگ را با سریال پلیسی «رکس» که در دهه ۷۰ از شبکه سه سیما پخش می‌شد، می‌شناسند. مارشال هم مانند رکس سریال رنگ قهوه‌ای دارد و دور چشمانش سیاه‌رنگ است. مارشال، شش ماهی می‌شود که برای عملیات زنده‌یابی آماده شده است و در صورت وقوع زلزله در کشور می‌تواند به عنوان اولین گزینه انتخاب شود، چرا که حالا در زمینه آواربرداری و زنده‌یابی در کوهستان آماده است. آقای مربی تأکید می‌کند سگ‌ها از صبح تا شب با ما هستند و همه روحیات اخلاقی ما را می‌شناسند. مربی سگ راست می‌گوید. زمانی که مربی در فکر فرو می‌رود و لبانش به پایین متمایل می‌شود، او سرش را به جلو خم می‌کند و با چشمانی که حالا مردمکش بیش از اندازه باز شده است، به طرف مربی‌اش خم می‌شود و به صورتش زل می‌زند و زمانی که مربی‌اش با خشم با سگ صحبت می‌کند، سرش را به پایین خم می‌کند و با چشمانی گرفته به او نگاه می‌کند. با لبخند و خنده مربی هم مارشال، بالا و پایین می‌پرد.

همکاری ۹ ساعته

اما بین مربی و یك سگ چه می‌گذرد که ارتباطات تا این حد به هم نزدیك است؟ دلیلش شاید یك نکته ساده باشد. مربی و سگ، تمام مدت روز را با هم هستند. تمام ساعات روز را با هم می‌گذرانند. هر سگ تنها یك مربی دارد و از زمانی که خیلی کوچك است، زیر نظر یك مربی کارش را شروع می‌کند. مربی‌ها از شروع شیفت کاری روزانه، قلاده سگ را در دستان خود دارند. با او می‌دوند و فقط با او صحبت می‌کنند. به قول مربی‌ها، سگ‌ها همکارشان هستند.

ساعت ۱۱ صبح که تنها وعده غذایی سگ‌ها سرو می‌شود، حتی مربی‌ها همراه آنها هستند و با آنها و در آن زمان، غذای خود را صرف می‌کنند. یکی از مربیان حتی می‌گوید که او از خانه برای سگش غذا می‌آورد و با هم یك غذا را می‌خورند.

او می‌گوید: «امروز هم برایش ماکارونی آوردم.» برنامه روزانه سگ‌ها به دویدن با مربی‌ها خلاصه نمی‌شود. هر مربی برای سگش برنامه‌های متنوعی دارد. یك روز او را برای نجات از زیر آوار آماده می‌کند و روز دیگر هم برایش برنامه غریق‌نجاتی دارد، همه اینها با صبر، حوصله و تمرین انجام می‌شود. هر مربی، برای این که سگش را برای عملیات نجات آماده کند، برنامه خاصی دارد و همه چیز در قالب یك بازی بین سگ و مربی انجام می‌شود. با حرکات دست، صداها و دستورهایی که در نهایت، این مربی است که برای همکار چهارپایش در نظر گرفته است. در آخر هم مربی به سگش جایزه می‌دهد. جایزه هم چیز عجیب و غریبی نیست. یك اسباب بازی بچگانه مانند توپ یا یك عروسك پنبه‌ای است که سگ آن را دوست دارد. مهم‌ترین بخش ماجرا اما شاید تمرینات ورزشی سگ‌هاست. سگ‌ها باید در آمادگی کامل و با رژیم غذایی خاصی باشند. آنها باید در روز میزان مشخصی را، بسته به قد و وزنشان بدوند و این مربی است که همه اینها را برای رفیق شفیقش مشخص می‌کند. اتفاقاتی که در یك ساعت کاری، از ۸ صبح و تا ۵ عصر، در ۹ ساعت بین مربی و سگ‌ها پیش می‌آید.

نشان از پدر

«نگران نباش، ماکسی تا به حال به کسی حمله نکرده است.» این را مربی‌اش می‌گوید. ماکسی جوان‌ترین سگ گروه است. یك سگ نژاد ژرمن که تازه یك سال و نیمش است. صورت ماکسی تمام قهوه‌ای است و زمانی که دندان‌های تیزش را نشان می‌دهد، انگار که می‌خندد. به عنوان یك سگ جوان، هم قد و قواره دیگر هم‌گروهی‌هایش است، اما از شیطنتش می‌توان فهمید که چقدر جوان است. با پنجه‌های مشکی رنگش مدام در حال دویدن است. دور مربی‌اش چرخ می‌زند، با نشان دادن دندان‌هایش می‌خندند و بعد خیره به مربی‌اش نگاه می‌کند و از کنارش دور می‌شود تا مربی به دنبالش برود. نکته جالب درباره ماکسی این است که پدرش هم عضو گروه است. زمانی که پدرش از جلوی او رد می‌شود، نگاهش می‌کند، حتی چشمانش را ریز می‌کند و به او زل می‌زند. بعد که پدر از دیدش دور می‌شود، شیطنت را از سر می‌گیرد.

مربی ماکسی می‌گوید: «او تا به حال در یك عملیات شرکت کرده است.» سیل که آمد، ماکسی و چند قلاده دیگر سگ، راهی مناطق سیل‌زده شدند. ماکسی در لرستان مأموریت داشت؛ مأموریتی که البته نیاز نبود. بسیاری از مردمی را که دچار سیل شده بودند، مردم محلی و نیروهای امدادی نجات داده بودند. مربی می‌گوید ماکسی آماده بود، اما خوشبختانه نیازی به حضورش احساس نشد.

برنده بازی

دوباره نوبت به عملیاتی دیگر رسیده است. پدر ماکسی، چیگو باید شخصی را از زیر آوار نجات دهد. چیگوی سه سال و نیمه، یك تار از سبیل‌هایش سفید است. رنگ تیره‌تر و خطوط زیر چشمانش نشان می‌دهد از سگ‌های دیگر سنش بالاتر است. مربی چیگو را در جنگل می‌چرخاند و بعد به او دستور می‌دهد: «پیداش کن.» بازی بین مربی و سگ حالا شروع می‌شود. چیگو چرخ می‌زند. سرش را به جلو خم می‌کند و با چشمان تیزبینش، به جلو زل می‌زند. دور درختان می‌چرخد، از روی سنگی می‌پرد و بعد پوزه‌اش را به برگ‌هایی در زیر پایه درختان ریخته است، می‌کشد.

شخصی پشت یك سنگ بزرگ پنهان شده و تکه‌های چوب روی سر و کولش است. چیگو چرخ می‌زند. حتی از جلوی کسی که پنهان شده است، عبور می‌کند. بو می‌کشد و کمی دورتر از مصدومی که زیر آوار است، چند بار دور خود می‌چرخد اما باز برمی‌گردد. مربی تشویقش می‌کند. چیگو پوزه‌اش را بالا می‌گیرد. بو می‌کشد و چشمان تیزش را می‌چرخاند و بعد یك راست می‌رود سراغ مصدومی که به صورت نمادین زیر آوار مانده است. چوب‌ها را کنار می‌زند و مصدوم را از زیر آوار بیرون می‌کشد. چیگو مصدوم را نجات می‌دهد. او در بازی برنده شد.

از امدادرسانی تا نگهبانی

اسماعیل اسکندری، رئیس اداره سگ‌های زنده‌یاب جمعیت هلال‌احمر است. او درباره سگ‌هایی که می‌توانند عضو گروه زنده‌یاب‌ها شوند، به ما می‌گوید: «هر نوع نژادی نمی‌تواند عضو گروه زنده‌یاب‌ها باشد.» این یعنی این که بعد از وقوع حادثه‌ای بسیاری از مردم، به امید کمك برای نجات انسانی، سگ‌های خود را به محل حادثه می‌برند و انتظار دارند در گروه جای بگیرند، اشتباه است.

اسکندری توضیح می‌دهد نژادهای خاصی می‌توانند در گروه حاضر شوند و مهم‌تر این که آموزش ببینند.

به جز نژاد ژرمن که آلمانی است و به باهوشی و تعلیم‌پذیری مشهور است، این روزها گروه دیگری از سگ‌های کار (سگ‌هایی که باهوش هستند) نژاد لابرادور هم که به مکان‌یابی قوی مشهور است، در گروه قرار گرفته است. اما آموزش دادن سگ‌ها ساده نیست.

آموزش سگ سه سالی زمان می‌برد. سه سال که برای آموزش همه شرایط بحرانی، از زنده پیدا کردن و آواربرداری، غریق نجات بودن، عملیات نجات در برف و بوران و عملیات زنده‌یابی در آتش‌سوزی از کارهایی است که سگ‌های زنده‌یاب ایرانی باید آن را یاد بگیرند.

پس به کارگیری سگ‌های تزئینی و هر سگی امکان ندارد. رئیس اداره سگ‌های زنده‌یاب جمعیت هلال‌احمر می‌گوید: «یکی از مشکلات ما اتفاقا همین است. این که بعد از وقوع حادثه‌ای مردم، سگ‌های تزئینی خود را برای کمك می‌آورند.

این کار باعث زحمت ما خواهد شد.» اما سؤال اینجاست آموزش سگ‌های کار در ایران از چه زمانی شروع شد؟ اسکندری جواب می‌دهد: «آموزش سگ‌های زنده‌یاب، رسما از سال ۷۹ در ایران شروع شد.»

اتفاقا اولین گروه از سگ‌هایی که توانستند در عملیاتی شرکت کنند، در زلزله بم سال ۸۲ بود. حالا بعد از گذشت ۱۹ سال، در کل کشور، حدود ۸۲ قلاده سگ زنده‌یاب وجود دارد که در صورت وقوع حادثه و بحران، آماده عملیات امداد و نجات هستند.

نکته مهم درباره سگ‌های امداد و نجات اما مدت زمان خدمتشان است. به طور طبیعی، عمر هر قلاده سگ، حدود ۲۰ سال است. سگی که برای امداد و نجات آموزش می‌بیند اما ممکن است کمتر از اینها عمر کند.

عمر مدت زمان خدمتش، بسته به این که در چه عملیاتی شرکت می‌کند متفاوت و از شش سال تا حتی ده تا ۱۲ سال است. بعد از بازنشستگی، سگ‌هایی که روزی امدادرسان بودند، به عنوان سگ‌های نگهبان در باغ‌ها و انبارها زندگی خود را ادامه می‌دهند.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#حق-راننده

یک راننده:

خیلی خوب است که مسؤولان اسنپ به حقوق مسافر توجه ویژه دارند و به شکایات آنها رسیدگی می‌کنند؛ اما از این طرف نیز راننده حق و حقوقی دارد که اسنپ نادیده می‌گیرد. از اسنپ می‌خواهم به شکایات ما نسبت به مسافران که بی‌احترامی می‌کنند نیز توجه کند. چرا اسنپ به راننده‌هایش اهمیت نمی‌دهد؟

#حقوق-بازنشستگان

امیرحمزه از کرج:

چرا بین حقوق بازنشستگان کشوری و لشگری با بازنشستگان تامین اجتماعی تفاوت زیادی وجود دارد؟ دریافتی اندك بازنشستگان تامین اجتماعی کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد؟

#شهر-زیبا

میرونداز کرج:

اصول زیباسازی در استان البرز با وجود جمعیت زیاد و داشتن زمین‌های فراوان رعایت نشده است و متاسفانه با یك شهر زیبا در جوار پایتخت فاصله زیادی دارد.

#نابودی-محیط‌زیست

فتوحی از رشت:

تبدیل و تکه تکه شدن زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها در شمال کشور ادامه دارد و تا چند سال دیگر نشانی از درخت در شهرهای شمالی دیده نمی‌شود.

#سطل-زباله

مختاری از تهران:

از شهرداری محترم درخواست می‌شود با توجه به هوای گرم تابستان، فاصله بین مدت زمان شست‌وشوی سطل‌های زباله را کاهش دهد تا از پخش شدن بوی تعفن در محلات جلوگیری شود.

#خودرو-انتظار

زهدی از تهران:

چرا خودروسازان نسبت به تحویل خودروهای ثبت‌نامی این همه تعلل می‌کنند؟ این درحالی است که همه روزه فروش به صورت تحویل فوری دارند.

#یارانه-ناچیز

ضرابی از تهران:

مبلغ فعلی یارانه، حداکثر جوابگوی یکی از قبوض انرژی است. درآمدهای حاصل از آزادسازی حامل‌های انرژی خرج چه کاری می‌شود؟ دولت محترم شفاف‌سازی کند.

#اتوبوس-تاخیر

فرجی از تهران:

ساعت ۱۰ شب به بعد اتوبوس‌های تندرو خط علم‌وصنعت به خاوران با تاخیر ۲۰ دقیقه‌ای حرکت می‌کنند و باعث حجم زیاد مسافران می‌شود، البته بعد از این زمان اتوبوس‌های آماده به کار، اتوبوس‌های قدیمی و فرسوده هستند. با وجود اعتراض‌های چندباره مسؤولان این خط هیچ اقدامی بابت حل این مشکلات صورت ندادند.